

IDW[®]

#2

HARTNELL
MOLNAR
RAUCH

COMIC CITY

Manager Girl

Cherry 2015

RENEGADE



Danger Girl

RENEGADE

Written by
Andy Hartnell

Art by
Stephen Molnar

Colors by
John Rauch

Letters by
Neil Uyetake

Edits by
Scott Dunbier



مترجم
ماهان خازنی
ویراستار
احمد کلاتیانی

آنچه گذشت:

ابی چیس که از تیم دختران خطرناک جدا شده، رفته دنبال کاری که توش بهترین، یعنی پیدا کردن عتیقه های با ارزش. حالا هم تنها چیزی که مونده اینه که عزیزترین خاسته اش رو پیدا کنه ... پدر گمشده اش رو!

کاری از کمیک سیتی

COMIC CITY

Danger Girl created by J. Scott Campbell & Andy Hartnell.

IDW

www.IDWPUBLISHING.com
IDW founded by Ted Adams, Alex Garner, Kris Oprisko, and Robbie Robbins

Ted Adams, CEO & Publisher
Greg Goldstein, President & COO
Robbie Robbins, EVP/Sr. Graphic Artist
Chris Ryall, Chief Creative Officer/Editor-in-Chief
Matthew Ruzicka, CPA, Chief Financial Officer
Alan Payne, VP of Sales
Dirk Wood, VP of Marketing
Lorelei Bunjes, VP of Digital Services
Jeff Webber, VP of Digital Publishing & Business Development

Facebook: facebook.com/idwpublishing

Twitter: [@idwpublishing](https://twitter.com/idwpublishing)

YouTube: youtube.com/idwpublishing

Tumblr: tumblr.idwpublishing.com

Instagram: instagram.com/idwpublishing



توکیو

ده سال قبل.

«پولارو
بردار...»

*ترجمه شده از زبان ژاپنی.

«فقط هر چیزی که میخوان
بردارین و برین!»

«فقط اون
عکس رو واسه من
بزارین»

«عکس؟»

«منظورت کدوم
عکسه چیکا؟»

«کیفشویه
نگاه بنداز.»



«اون واسه
ان پی ای کار
میکنه.»

«پلیس
مخفیئه!»



«اسلحه ات
رورد کن بیادا!»

«به نفع توئه
که بیخیال اینکار شین.
تا موقعی که هنوز میتونین
راحتون و بکشین و
برین.»

«این پایین هیچ نیروی
پشتیبانی نداری عوضی. فعلا
که با ما اینجایی. تنها!»



«بزارین اون
بره!!»



THWACK





يا خدا!



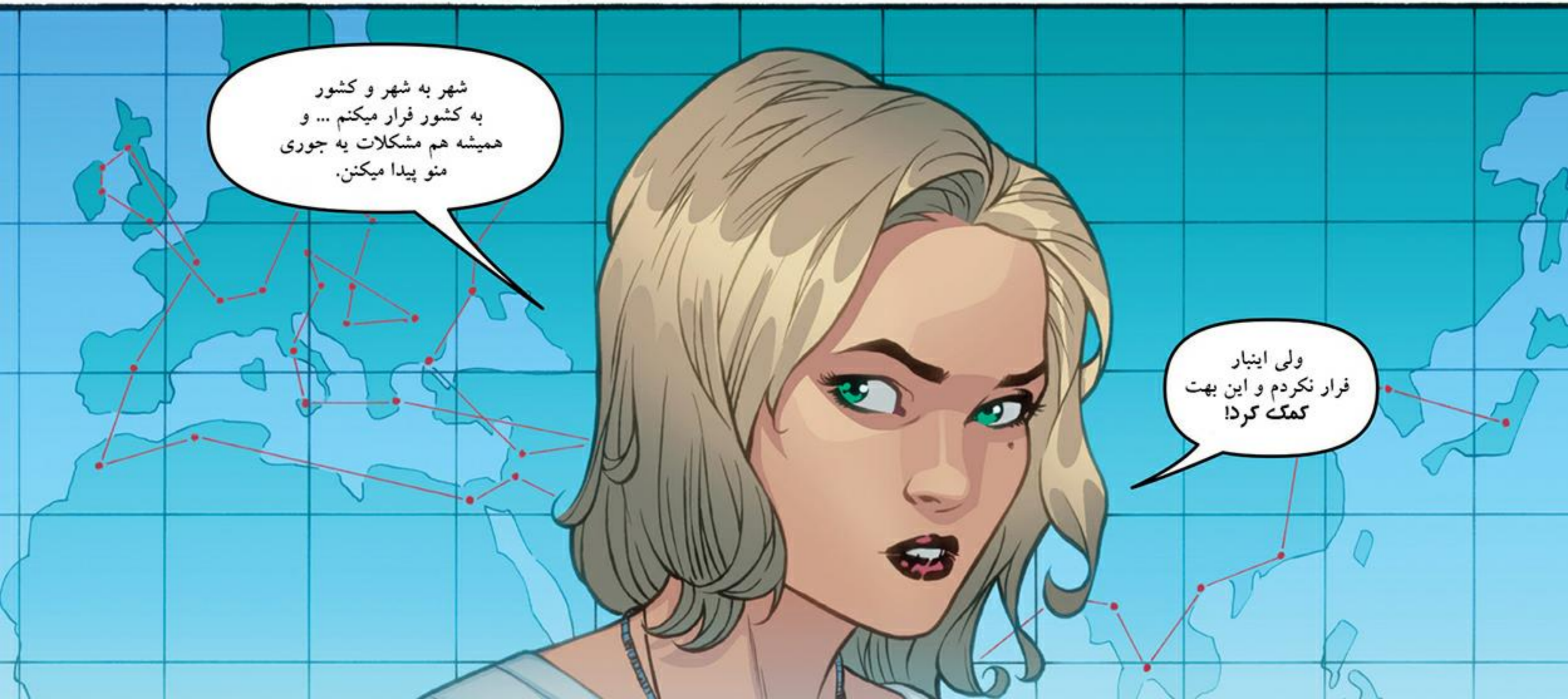
تو كه اسلحه ات رو داشتى ميا، چرا با اون ترتيشون و ندادي؟

ميدونستم كه تو هنوز اينجايي، نميخواستم بندازمت تو خطر.



تو بايد فرار ميكردى ابى ... صاف برمىگشتى به مفرمون.

كل كارى كه ميكنم شده فرار كردن!



شهر به شهر و كشور به كشور فرار ميكنم ... و هميشه هم مشكلات به جورى متو پيدا ميكنن.

ولى اينبار فرار نكردم و اين بهت كمكه كرد!



میخوام این دست
تو باشه ای. احتمالا
پیش تو جاش امنتره.



دیوید ...



من از اونم فرار کردم
میا ... اونم وقتی که
داشت میمرد!
مجبور بودی که
فرار کنی ای. کاری از
دستت بر نمیومد.



شاید اون موقع نه، ولی الان...؟
فکر کنم بتونم به کارایی کنم.
اگه فقط تو تعلیمم بدی!!

تعلیمت بدم؟
چی میخوای یاد
بگیری؟



باید یاد بگیرم
که چطوری
مبارزه کنم!



شفقت. ذکاوت. خطابت.
اینّا از بهترین سلاح های تو
هستن.

این کلمات توی
اون کوچه کمکی نکردن.
به دیوید کمکی
نکردن.



من به قولی به پدرت
دادم. دیوید هم همون قول رو
داده. قول دادیم که ازت محافظت
کنیم. من میتونم مهارتای زیادی
رو بهت یاد بدم. ولی مبارزه ...
توی لیست نیست.

تو تا ابد نمیتونی
محافظ من باشی. وقتی
بزرگتر بشم چی میشه؟ وقتی
که فقط خودم باشم و خودم؟
وقتی که سرخ کافی واسه
پیدا کردنه بابام
داشته باشم
چی؟



من میخوام کاری
رو که تو و دیوید واسه
من کردین رو واسه
دیگران بکنم.



...
باشه.
تعلیمت میدم.



تعلیمت میدی؟؟
کاراته؟؟ نینجوتسو؟؟



زبان پرتغالی.

زبان پرتغالی؟

اول اون زبانو
یاد میگیری، بعد بهت
مبارزه یاد میدم.



این کجاش منصفانست
میا؟ آخه من کی به کارم میاد
که بخوام پرتغالی حرف
بزنم؟

ریو دو ژانیرو

امروز.

«خوبه...»

«و این یکی
خیلی خوبه...
آره...»

«کارتو خوب
انجام دادی سرجیو»

* ترجمه شده از پرتغالی.

«ممنون آقای
وینسنت. امیدوار
بودم که خوشتون
بیاد.»

«بله. اینا تا
اینجای کار بهترین
هستن. حتما هم قیمت
خیلی خوبی رو
میگیرن»

«این یکی
تو!»

«تو
چند سالته؟»

چی؟ اسمم؟
ایه.

این چیس.







ابی داره
کارش رو شروع
میکنه.

اوضاع سمت تو
چطوره کریتر؟

خب ... به
نظرم میاد که
گم شدیم.

کم شدین؟
نقشه تون کجاست
پس؟

خیلی سوال
خوبیه دالاس.



فکر میکنی
ابی بتونه به کم
معتلشون کنه؟



میتونه تو مبارزه
از پس خودش بر بیاد؟

الاناست
که جوابشو
بگیریم.





حواستون به هلی کوپتر باشه بچه ها! میخوان فرار کنن.



آآآخ...!

ZWIPP



KRACK



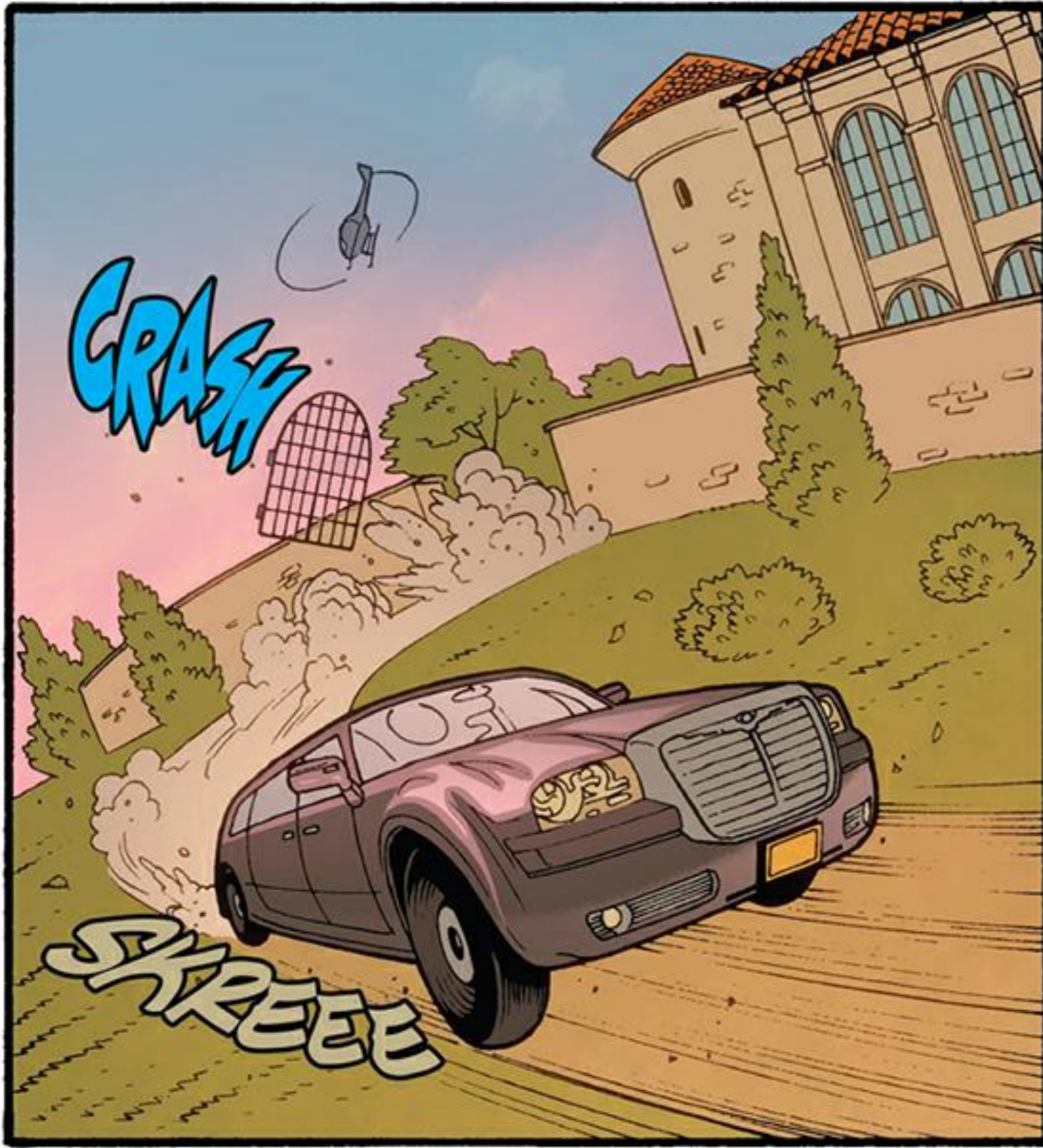
خلبانشون رو زدیم دالاس. مثل یه بچه خوابیده. یه بچه ی خیلی زشت.

دخترمون در چه حاله؟



SHINGG









آلمان.
شهر مونیخ.

مونیخ چه
خبره؟

به چیز حتی
بهتر!



به نظرم که خوب
مید. ولی یواشکی رفتن
به آلمان خرج بر میداره.

حمل و نقل و
رشوه هایی که باید بدیم
تا برسیم اونجا و ... تازه
هویت جدید هم میخوایم، هم
ما دو تا، هم بقیه
بچه ها.



واسه گردنبد ۵۰ تا
گیرمون میداد. میتونیم ۳۰ تا هم
واسه زمرد بگیریم. ۱۰ تا هم
واسه بقیه چیزا گیرمون میداد.
باید کافی باشه.

نجات همه ی اون
دخترها چی؟ از اون چی
گیرمون اومد؟

اونو خدا جوابشو
میده. اونم به کارمون
میداد.



خوب پس قراره
کل پولمون و سر این
استفاده کنیم؟ مجبوریم
واقعا؟

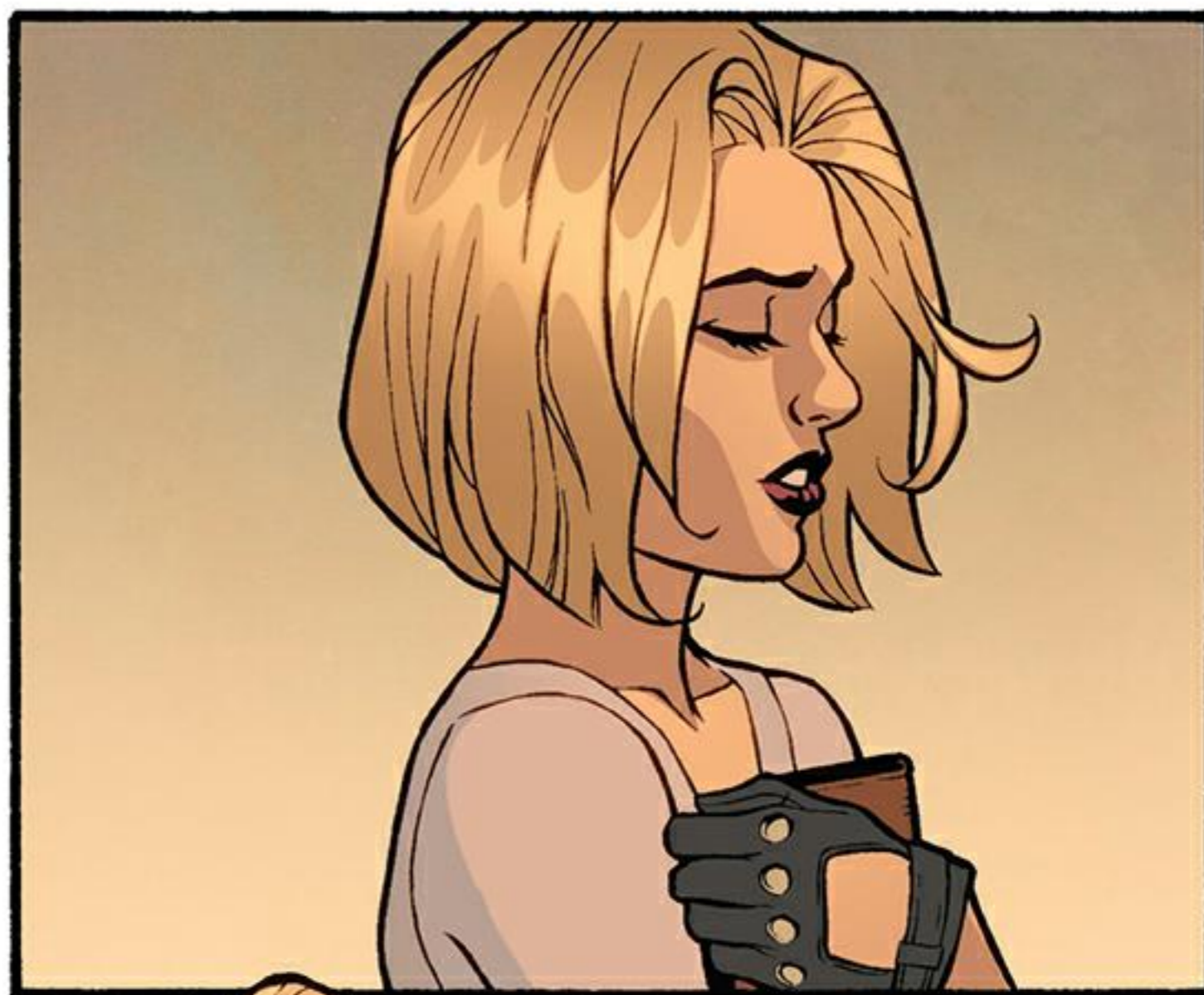
نمیتونیم ارزون از
پس این کار بر بیایم دالاس.
نه با همه ی این مشکلاتی
که درست کردیم.

اگه سازمان سیا پیدامون
کنه چی؟ یا مثلا پلیس
مخفی آلمان؟

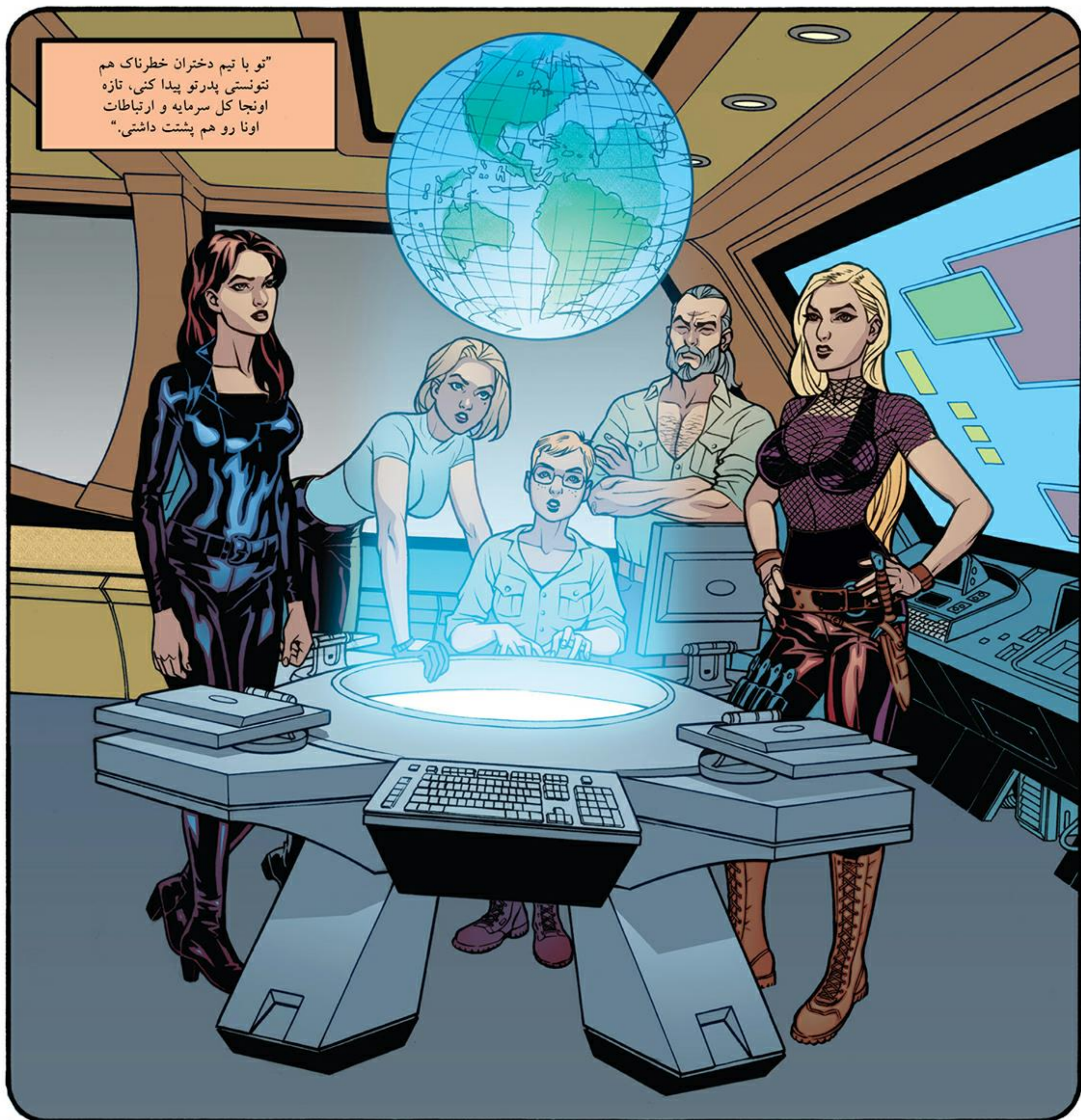
میتونی تصور
کنی چه بلایی
سرمون میداد؟



"من سعی میکنم به اون فکر
نکنم ایی. اون بخش تاریکی از
وجود منه."



”تو با تیم دختران خطرناک هم
نتونستی پدرتو پیدا کنی، تازه
اونجا کل سرمایه و ارتباطات
اونا رو هم پشتت داشتی.“



چی باعث میشه
فکر کنی که حالا با
کسایی مثل ما
میتونی پیداش
کنی؟

میخوای کنار
بکشی دالاس؟
باشه!

پول و تقسیم میکنیم
و هر کدوممون راه خودمون
رو میریم.

ایی.
صبر کن!

فراموشش
کن!





گوش کنین
بچه ها، برنامه عوض
شده.



هیچ کس از جاش
تکون نخوره!

شما توسط
نیروی دریایی ایالات
متحده بازداشت
شدین!

ابی چیس
کجاست؟؟



ترجمه شده در:

کمیک سینتی

مرجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR

COMIC CITY